اعتماد

پنجشنبه ۲۶ بهمن ۱۳۹۶
۲۸ جمادی‌الاول ۱۴۳۹
۱۵ فوریه ۲۰۱۸
سال پانزدهم
شماره ۴۰۲۸
۱۶ صفحه
۲۰۰۰ تومان

ETEMAD Thu □ 15 Feb 2018 □ vol.15 □ No. 4028 □ 16 Pages □ 20000 Rials

سفر رییس جمهور به هند

مهمان دوست کُهن

۵

به‌دستور روحانی تشکیل شد

کمیته چهار نفره دولت برای پیگیری حوادث بازداشتگاه‌ها

۲

گفت‌وگو با محمد قائد درباره کتاب «آدم ما در قاهره» / روزگار عبث و تنهایی عرفانچی دلتنگ امریکا در کرانه نیل

۱۲ و ۱۳

طنز و ذهن‌های خط کشی‌شده از شیر برنج تا آزادی!

۱۴

روزنامه زنده است

نگاهی فراسوی مسائل اقتصادی

۸ و ۹

۶ داستان: سفر به چشمه حیوان
۱۱ شعر: خط جاری لحظه‌ها

حضور نیروی انتظامی در صرافی‌ها

گشت دلار

تدابیر دولت برای کنترل بازار ارز

سرمقاله

وضعیت ویژه در بازار ارز

زهرا کریمی

با دستگیری و برخورد با افرادی که به نظر می‌رسد بازار ارز را در کشور داغ نگه می‌دارند، مشکلات این بازار در بلندمدت برطرف نمی‌شود، بلکه تنها برای کوتاه‌مدت التهاب اندکی فروکش می‌کند. مشکل در بازار ارز تنها این نیست که قیمت ارز مرتبا بالا می‌رود، مشکل مهم این است که مردم باور دارند که دولت توان مدیریت بازار را ندارد و پیامد ناشی از تداوم چنین باوری در بلندمدت فضای نامناسبی را بر اقتصاد حاکم می‌کند.

نوسانات بازار ارز یک اتفاق تازه در ایران نیست؛ در میانه دهه ۷۰ هم این بازار با تلاطم‌های گوناگونی مواجه شد، در آن زمان نیز سیاستگذاران برای مقابله با این تحولات اقدام به دستگیری سوداگران بازار کردند و بسیاری از صرافی‌ها تعطیل شدند.

ادامه در صفحه ۱۵

عبدالواحد موسوی لاری در گفت‌وگو با «اعتماد» مطرح کرد

ظرفیت‌های رفراندوم در حوزه معیشت مردم

۳

تجسمی / بررسی نقاشی‌های مرتضی گودرزی دیباج

از نجابت این اقلیم

۷

۱۰

فواداشتری / تسنیم

نگاه روز

نگرانی تشکل‌های محیط زیستی

حمیدرضا جلایی‌پور

من اصلاح‌طلبم و آمدورفتم بیشتر با تشکل‌های سیاسی اصلاح‌طلبان است. ولی از زمانی که خبر خودکشی بهت‌آور مرحوم سیدامامی اعلام شد، با فعالان نهادهای مدنی محیط زیستی در فضای آنلاین و فضای واقعی بیشتر آشنا شدم. به نظر من شایسته است که حاکمیت و دولت روحانی به نگرانی عمیقی که در میان حاملان این نهادهای محیط زیستی، پس از این اتفاق اخیر، به وجود آمده، توجه کند.

این نگرانی چیست؟ اعلام شده که سیدامامی جاسوس بوده و خودکشی کرده است. اغلب حامیان محیط زیست اما در پذیرش این خبر تردید دارند. حتی عده‌ای معتقدند این فضای سنگین امنیتی که علیه دستگیرشدگان به راه افتاده در اصل متوجه حامیان محیط زیست و اقلیم ایران است.

آنها می‌گویند این انجمن‌های محیط زیستی بودند که نگران تعرض‌ها به محیط زیست بودند، این تعرض‌ها را دایم به مقامات گزارش می‌دادند یا در عرصه عمومی اطلاع‌رسانی می‌کردند. حالا با ماجرایی که پیش آمده، آنها نگرانند چشم ناظران محیط زیست به روی اتفاقات مخرب و سرنوشت‌سازی که در اقلیم ایران در شرف وقوع است، بسته شود.

بعد من از آنها می‌پرسیدم چرا این‌طور فکر می‌کنید؟ آنها جواب می‌دادند که شما به محتوای تبلیغات صداوسیما و اشخاص ذی‌ربط توجه کنید؟ در این تبلیغات حساسیتی راجع به حفاظت از محیط زیست و اقلیم ایران و اهمیت تقویت نهادهای مدنی که چشم ناظر بر محیط زیست‌اند نمی‌شود. مستقیم و غیرمستقیم، به طور موازی دارد تبلیغ می‌شود که کسانی که دنبال حفظ محیط زیست و حیوانات در طبیعت هستند اینها همه بالقوه نوعی جاسوس‌اند و سرنوشت نافرجامی دارند. در این آشفتگی رسانه‌ای کسی نمی‌گوید که ما با کسانی که در نگهداری دکتر سید امامی قصور داشته‌اند، برخورد قانونی می‌کنیم بلکه عمدتا و به خصوص صدا و سیما فقط روی جاسوسی و خودکشی تاکید می‌کند.

آنها می‌گویند منابع رانت در ایران فقط «نفت» نیست بلکه «اقلیم» ایران یکی از منابع رانت است و تعرض به منابع طبیعی بدون حضور و نظارت انجمن‌های محیط زیستی آرزوی نیروهای رانت‌خوار است.

این انجمن‌ها به‌شدت نگران آینده انجمن‌های محیط زیستی و نحوه برخورد با فعالین محیط زیستی هستند. آنها بیم دارند که اثبات جرایم جاسوسی برای عده‌ای فعالین محیط زیست تا آنجا پیش برود که حتی اصل فعالیت حفظ و حراست از محیط زیست تحت‌الشعاع قرار گیرد.

اقتصاد

اثر معکوس برخورد فیزیکی

علی دینی ترکمانی

از سال ۱۳۹۰ تا بهمن ۱۳۹۵، در چند مقاله بلند و یادداشت پی‌درپی تلاش کرده‌ام توضیح دهم که انتظارات، بیشتر از متغیر مورد علاقه قریب به اتفاق همکاران اقتصاددانم، یعنی تورم، بر افزایش نرخ ارز در شرایط همراه با تنش‌های سیاسی مرتبط با پرونده هسته‌ای و اکنون موشک‌های بالستیک و همین‌طور تنش‌های منطقه‌ای میان ایران و عربستان در مورد سوریه و یمن تاثیر دارد. موج جدید فشارهای فزاینده در بازار ارز را هم می‌توان تا حد زیادی در این تنش‌ها که ابعاد و اشکال جدیدی به خود می‌بیند جست‌وجو کرد.

انتظارات موجب به وجود آمدن تقاضای سفته‌بازانه بیش از اندازه از موقعیت عادی برای ارز می‌شود؛ چرا که بر اثر تنش‌ها انتظار افزایش نرخ ارز وجود دارد. این انتظار و تقاضای سفته‌بازانه همراه با آن، موجب افزایش نرخ ارز می‌شود. با تحقق پیش‌بینی صورت گرفته، دور جدیدی از انتظارات و تقاضای سفته‌بازانه همراه با آن به وجود می‌آید و در گذر زمان تشدید می‌شود. تنها راه بازگرداندن آرامش به بازار ارز و دارایی نقد پذیر طلا که ارزشش تحت تاثیر قیمت جهانی طلا و نرخ ارز است، رفع تنش‌هاست. در غیر این صورت، برخورد فیزیکی با معامله‌گران ارز تنش دیگری را به تنش‌های جاری اضافه می‌کند که نتیجه آن افزایش نرخ ارز است، چرا که این پیام را به اقتصاد و بازار ارسال می‌کند که توانایی بانک مرکزی و دولت در مدیریت بازار ارز به روش‌های معمول از جمله تزریق ارز، به تحلیل رفته است و بنابراین ناچار از برخورد فیزیکی می‌شود. این خود، انتظار افزایش نرخ دلار را تقویت می‌کند و بر تنور تقاضای سفته‌بازانه برای ارز می‌دمد. همین‌طور، تقاضای واقعی ارز را به جلو می‌اندازد که موجب تلاطم بیشتر این بازار می‌شود. تردیدی نیست که توزیع نابرابر نقدینگی جاری در اقتصاد میان گروه‌های اجتماعی مختلف نیز یکی از دلایل موج‌های ارزی در چنین شرایطی با چنین ابعادی است. اگر توزیع نقدینگی میان بخش‌های اقتصادی و همین‌طور میان گروه‌های اجتماعی برابرتر بود، نقدینگی جاری در اقتصاد، چنین با شتاب زیاد، سر از بازار ارز در نمی‌آورد. اگر در گذشته از طریق سازوکارهای مختلفی چون زمینه‌سازی برای جذب نقدینگی در رشته فعالیت‌های مولد صنعتی و کشاورزی و همین‌طور نظام مالیاتی پیشرفته تصاعدی معطوف به توزیع عادلانه ثروت و درآمد میان گروه‌های اجتماعی، در جهت برابرسازی هر چه بیشتر نقدینگی اقدام شده بود اینک کمی راحت‌تر می‌شد بازار ارز را مدیریت کرد.

یک راهکار، همان راهکاری است که در عربستان اخیرا دنبال شده است. یعنی، سیاست بازتوزیع ثروت و درآمد در چارچوب طرحی جدی‌تر و اساسی‌تر از طریق گفت‌وگو با صاحبان ثروت‌های بسیار زیاد در جهت واگذاری بخشی از ثروت‌شان به خزانه دولت با هدف برای مثال کمک به لایه‌های پایینی نظام اجتماعی. اما، مساله این است که در شرایط کنونی و موقعیت جاری ما، چنین اقدامی با اقدام برخورد فیزیکی با چند معامله‌گر ارز تفاوت اساسی دارد که می‌تواند موجب آشفته‌تر شدن شرایط اقتصادی و خروج سرمایه بشود که تاثیر آن افزایش بیشتر نرخ دلار است.

ادامه در صفحه ۰۴

جامعه - ۱

تامین حقابه‌ها؛ اولویت اول

شبنم قنواتی‌زاده

چهره شهر اهواز روز سه‌شنبه کاملا آکنده از گرد و غبار بود و شعاع دید هم حداکثر به ۵۰ متر می‌رسید. این شدیدترین آلودگی بر اثر ریزگردها در سال ۱۳۹۶ بود. منشأ ریزگردها هم کانون‌های داخلی است. هر چند این پدیده چند وجهی است و مقابله با آن هم نیازمند مجموعه‌ای از برنامه‌ها در بلندمدت است اما فوری‌ترین کاری که باید در اولویت قرار گیرد تامین حقابه تالاب‌هاست. با تامین حقابه واقعی مورد نیاز تالاب‌های استان می‌توان تا حدود قابل توجهی آثار منفی خشک شدن آنها را تحت تاثیر قرار داد و در نتیجه هوا هم تلطیف شود. متاسفانه در سال‌های گذشته بر اثر نوع بینش مدیران به مفهوم توسعه، بسیاری از تالاب‌های‌مان از دست رفت. تالاب هورالعظیم یکی از تالاب‌های مهم ما است که حفظ آن برای حیات اجتماعی دشت آزادگان و اهواز و سوسنگرد بسیار ارزشمند است. این تالاب در حوزه مشترک نفتی ایران و عراق قرار دارد و ایران هم نمی‌خواهد تجربه ناموفق و تلخ حوزه مشترک با قطر دوباره برایش تکرار شود که به اندازه کافی از منابع آنجا برداشت نکرد. برای همین ما با خشک کردن تالاب نفت برداشت می‌کنیم. در کشوری مانند امریکا می‌بینیم که حتی برداشت نفت در تالاب‌ها با رعایت اصول زیست‌محیطی و بدون خشک کردن تالاب انجام می‌شود. اما در کشور ما چنین نیست. درباره شیوه برداشت نفت در هورالعظیم شائبه‌ای وجود دارد که خشک کردن تالاب و بعد استخراج نفت هزینه‌ها را تا یک چهارم کاهش می‌دهد و به همین دلیل از تجربه‌های جهانی در این زمینه بهره گرفته نشده است. در حال حاضر بر خلاف تبلیغات سازمان محیط زیست که همیشه قسمت‌های پر آب را به خبرنگاران نشان می‌دهند؛ بخش مهم هورالعظیم خشک است. ریزگردهایی که از سطح خشک شده تالاب بلند می‌شوند بسیار ریز و خطرناکند و به گفته برخی پزشکان متخصص استان عامل بسیاری از بیماری‌های سخت در استان خوزستان به شمار می‌روند. ما برای کار توریستی و گرفتن عکس یادگاری حقابه تالاب‌ها را نمی‌خواهیم. بلکه تالاب نقش ریه تنفسی استان را ایفا می‌کند. در این شرایط شائبه دیگری هم وجود دارد که برای تعطیلی مدارس هم محدودیت‌هایی تعیین شده تا از ضررهای اقتصادی و... پیشگیری شود و برای همین می‌بینیم که بسیاری از دانش‌آموزان و سایر گروه‌ها به اجبار باید از خانه بیرون شوند. امیدوارم در سیاست‌های فعلی به گونه‌ای بازنگری شود که سازمان حفاظت محیط زیست به جای اینکه بگوید در استان آب مازاد وجود دارد حقابه‌های زیست محیطی را دریافت کند و از طرف دیگر به جای نهال کاری‌های بی‌فایده در جنوب شرق اهواز طرح‌های واقع بینانه‌تری در دستور کار قرار گیرد. چرا که در حال حاضر بسیاری از این نهال‌ها در منطقه خشک شده‌اند و بی‌فایده بودن این روش هم روشن است.

جامعه - ۲

نیاز به قدم سریع‌تر وزیر

محسن طلایی‌ماهانی

وقتی در رسانه‌ها شنیدم که وزارت آموزش و پرورش پس از سال‌ها انتظار، حرکتی موثر و مفید برای ارتقای سطح دانش و فرهنگ کشور انجام داده و اقدام به حذف آزمون‌های مضر و ناصواب کرده است بسیار خوشحال شدم. سال‌ها پیش (حدود سال‌های ۱۳۷۱) زمانی که در دانشگاه تربیت مدرس مشغول تحصیل در مقطع فوق لیسانس در رشته فلسفه بودم از محضر یکی از اساتید بنام روانشناسی مرحوم آقای دکتر شعاری‌نژاد بهره می‌بردم. ایشان به مناسبتی ضمن تحلیل و نقد دردمندانه‌ای از وضعیت آموزش و پرورش به این نکته ظریف پرداختند که چرا نظام آموزش و پرورش ایران اصرار بر کج روی و ادامه مسیرهای غلطی دارد که سال‌ها پیش در اکثر کشورهای جهان منسوخ شده است. یکی از این اقدامات اشتباه راه‌اندازی مدارس استعدادهای درخشان است. ایشان با همان لهجه شیرین و جذاب ترکی خویش می‌گفتند همین که دانش‌آموز می‌خواهد قدم به این مدارس بگذارد و چشمش به تابلوی سردر مدرسه می‌افتد باورش می‌شود که با دیگر دانش‌آموزان خیلی تفاوت دارد و از استعداد ویژه، ممتاز، متفاوت و برتری برخوردار است. او احساس می‌کند یک سر و گردن از بقیه دانش‌آموزان بالاتر است و چنین ذهنیتی عواقب و آثار بسیار نامطلوب روحی، روانی دارد لازم است در اینجا اضافه کنم که مدت‌های مدیدی است که در نظام‌های آموزشی مدارس جهان تفکیک و طبقه‌بندی دانش‌آموزان منسوخ شده است. بهترین چینش برای دانش‌آموزان «نه‌چیدن» و «نه برگزیدن» آنهاست. امروزه در مدارس، کلاسی بهترین بهره‌وری را دارد که همه نوع دانش‌آموز با خصوصیت‌ها، سلیقه‌ها، توانایی‌ها و استعدادهای مختلف و متفاوت را در درون خود پذیرا باشد. در چنین نظام‌هایی اصل بر این است که دانش‌آموز محور و پایه باشد و معلم نقش راهنما و مشاور را ایفا کند و نه بالعکس. دانش‌آموز منفعل و مستاصل نه تنها آموخته و کارآزموده نیست بلکه فرهیخته و اهل مدارا و گفت‌وگو هم نیست و صرفا و منفعلا از معلم خویش محفوظات را می‌آموزد و آن هم چه آموختنی؟ بهترین و بالاترین سطح یادگیری همکاری و همیاری دانش‌آموزان با یکدیگر زیرنظر معلم است. دانش‌آموزان قوی‌تر (در انواع سطوح و نه فقط آموزشی بلکه تربیتی و مهارتی) یاد می‌گیرند چگونه بدون اینکه احساس غرور کاذب داشته باشند مفاهیم یا مهارت‌های خود را به دانش‌آموزان ضعیف‌تر منتقل کنند. دانش‌آموزان ضعیف‌تر هم یاد می‌گیرند (که البته این یادگیری ظریف‌تر، حساس‌تر و شاید مهم‌تر از قبلی است) چگونه بدون اینکه احساس ضعف و ذلت کنند از دانش‌آموزان قوی‌تر فراگیرند. به نظر می‌رسد این تعاون، همدلی، کارگروهی و مشارکت جمعی از صرف یادگیری مفاهیم و مهارت‌ها بنیانی‌تر باشد. چیزی که متاسفانه در نظام آموزش و پرورش ما کمتر مورد توجه قرار گرفته است. به هر حال امیدوارم وزیر محترم آموزش و پرورش و سایر دست‌اندرکاران این امر خطیر، قدم بعدی که حذف مدارس غلط موازی مانند استعدادهای درخشان است را هر چه سریع‌تر با شجاعت و درایت اعلام و اقدام کنند.

سیاست

رسانه‌ها و گفت‌وگوی ملی

مجتبی حسینی

اسماعیل جبارزاده، معاون سیاسی وزارت کشور از تدوین منشوری به دستور رییس‌جمهور خبر داده که قرار است فضای وفاق و گفت‌وگوی سیاسی را در سطح ملی فراهم کند. به گفته این مقام وزارت کشور در راستای تحقق این امر مهم، جلسات متعددی با حضور صاحب‌نظران تشکیل شده و محصول آن به‌زودی در قالب بخشنامه‌ای به استانداران سراسر کشور ابلاغ خواهد شد. تدوین منشور گفت‌وگوی سیاسی را باید اقدام جدی دولت و به ویژه رییس جمهور، برای عملیاتی کردن پروژه گفت‌وگوی ملی دانست. تردیدندارم که اهالی رسانه به‌ویژه روزنامه‌نگاران سیاسی منصفِ معتدل با تولید محتوا به استقبال تلاش دولت در این زمینه خواهند رفت. چرا که گفت‌وگو میان عقاید مختلف، حتی اگر محصول مشترکی هم نداشته باشد، می‌تواند ادراکی واقع‌بینانه را برای طرفین گفت‌وگو به دنبال داشته باشد. البته امید آن است که این منشور که با تلاش دولت و همکاری مدیران جریان‌ها و گروه‌های سیاسی تهیه و تدوین می‌شود، مورد مفاهمه جناح‌ها قرار بگیرد و به مرور اخلاق و کردار سیاستمداران‌مان تغییر کند و اگر اینگونه شود فبها المراد. اما پرسش اصلی این است که سیاستمداران محترم تا به امروز از طریق چه بلندگوهایی نظرات و عقایدشان را به گوش رقبای خود می‌رساندند و می‌رسانند؟ آیا آنان همواره برای بیان دیدگاه‌های خود دور یک میز می‌نشینند و پس از سلام و علیکی محترمانه، با ضوابط و استانداردهای اخلاقی با یکدیگر گفت‌وگو و مذاکره می‌کنند یا آنکه انتقاد و تحلیل رقیب را از طریق حنجره‌های کاغذی و مجازی به هم منتقل می‌کردند و می‌کنند؟ طرح این پرسش به این علت است که روزنامه‌ها همواره نقش پیغام‌رسانی را برای بازیگران سیاسی داشته‌اند و نظرات و دیدگاه‌های آنان را به جامعه مخابره کرده‌اند. پس بهتر نیست برای بالا بردن شانس موفقیت گفت‌وگوی ملی، این پروژه ابتدا بین رسانه‌های جناح‌ها در مقام تریبون‌های آنها آغاز شود تا اگر موفقیت‌آمیز بود و تغییری در تحلیل و رویکرد طرفین حاصل شد، این پروژه میان جناح‌ها کلید زده شود؟ به تعبیری دیگر باید گفت ما روزنامه‌نگاران و اهالی رسانه، بیش از همه به سیاستمداران مورد علاقه‌مان شباهت داریم. اسم‌های‌مان با هم متفاوت است اما یک رسم و آیین را دنبال می‌کنیم و منظومه فکری و عقیدتی‌مان فرق چندانی با هم ندارد. تفاوت، فقط در کنشگری‌ها و مسوولیت‌های‌مان خلاصه می‌شود. سیاستمداران کار سیاسی می‌کنند و ما کار سیاسی را تفسیر و تحلیل می‌کنیم. البته با تعطیلی احزاب، روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران کار و بار احزاب را هم به دوش کشیدند تا سیاست و بازی سیاسی از رونق نیفتد. پس روزنامه‌ها و روزنامه‌نگاران مانند سیاستمداران می‌توانند برای انجام گفت‌وگو با یکدیگر گام برداشته و محکی جدی بخورند. اگر نظام ارزشی-عقیدتی روزنامه‌های اصلاح‌طلب و اصولگرا با بازیگران سیاسی‌شان قرابت دارد، پس می‌شود این پروژه را هم میان روزنامه‌های جناحی مورد آزمایش قرار داد.

ادامه در صفحه ۱۵

انالله و اناالیه راجعون

با کمال تشکر از محضر مراجع عظیم‌الشأن تقلید، علمای اعلام، مقامات عالی کشوری و لشکری، اقشار مختلف، احزاب و نهادهای مدنی، نمایندگان مجلس و شوراهای اسلامی، مطبوعات و شبکه‌های اجتماعی که در سوگ همشیره اینجانب، به صورت‌های مختلف اظهار همدردی فرمودند، به اطلاع می‌رساند مراسم هفت آن بانوی مجاهد و خواهر شهید روز شنبه ۲۸ بهمن‌ماه ساعت ۳:۳۰ تا ۵ بعدازظهر در مسجد امیرالمومنین(ع) واقع در خیابان مرزداران برگزار می‌گردد. سروران و عزیزان حقیر، با حضور گرم خود، لطف و بزرگواری خویش را به اتمام رسانده و موجب شادی روح آن فقیده خواهند شد.
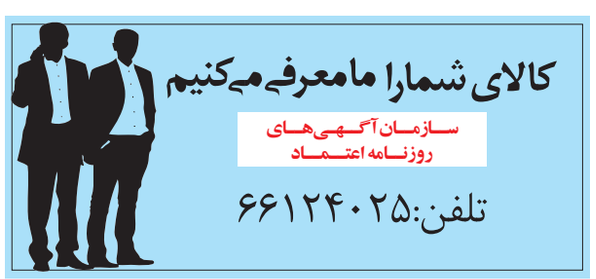
رسول منتجب‌نیا